

سیر دگرگونی هویت ملی ایرانیان از منظر جامعه‌شناسی تاریخی (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴

کد مقاله: ۹۱۹۶۱

مهدی توکلی اله آبادی^۱، احمد شکوهیان یزدی^۲

چکیده

مطالعه تحولات هویتی ایرانیان در بستر تاریخ معاصر، به‌ویژه از دوران مشروطه تا انقلاب اسلامی، مستلزم رویکردی میان‌رشته‌ای است که بتواند ابعاد پیچیده فرهنگی، اجتماعی و سیاسی این دگرگونی را تحلیل کند. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش اسنادی-کتابخانه‌ای و تکیه بر نظریات آنتونی گیدنز، اریک فروم و پژوهش‌های تاریخی نظیر آثار آبراهامیان، فوران و کدی، به بررسی روند شکل‌گیری و تحول هویت ملی ایرانیان پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که هر یک از چهار دوره اصلی—مشروطه، پهلوی اول، پهلوی دوم و انقلاب اسلامی—ویژگی‌ها و چالش‌های خاصی در بازنمایی و بازتعریف هویت ملی داشته‌اند. دوره مشروطه با تأکید بر نفی استبداد و مفاهیم مدرن سیاسی، پایه‌گذار هویتی نوین بود؛ در حالی که پهلوی اول با ناسیونالیسم آمرانه و پهلوی دوم با مدرنیزاسیون تحمیلی، بحران‌های هویتی را تشدید کردند. انقلاب اسلامی نیز کوشید هویتی دینی-سیاسی را جایگزین نسخه‌های پیشین سازد. این پژوهش نشان می‌دهد که ترکیب روش‌شناسی جامعه‌شناختی با تحلیل تاریخی، افق تازه‌ای برای فهم پویایی‌های هویتی در ایران فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: هویت ملی، انقلاب اسلامی، ایران، جامعه‌شناسی تاریخی، مشروطه

۱ - دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر، کرمان، ایران

mtavakoli7656@yahoo.com

۲ - دانش آموخته کارشناسی ارشد، ایرانشناسی تاریخ، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

ahmad.shokuhian@gmail.com

۱- مقدمه

هویت ملی مفهومی پویا و تاریخی است که در بستر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد و دستخوش بازتعریف می‌شود. در ایران، تحولات عظیم قرن اخیر، به‌ویژه از دوران مشروطه تا انقلاب اسلامی، بستر مناسبی برای مطالعه دگرگونی‌های هویتی فراهم کرده است. در این دوره، ساختارهای سیاسی، گفتمان‌های مسلط، و تعامل با مدرنیته جهانی، چالش‌هایی جدی در برابر مفاهیم سنتی هویت ایجاد کردند.

دوره مشروطه‌خواهی را می‌توان آغازگر بازتعریف هویت ملی ایرانی بر مبنای مفاهیم نوین دانست. شکل‌گیری گفتمان‌های جدید درباره ملت، قانون، آزادی و مشارکت، هویتی متفاوت با گذشته را پایه‌گذاری کرد (سعیدی، ۱۳۹۴). این تغییرات با تلاش روشنفکران، مطبوعات و نهادهای نوظهور شکل گرفتند و به چالش کشیدن مشروعیت نظم سنتی انجامید (هاشمی، ۱۳۹۷).

در دوره پهلوی، به‌ویژه در دوران رضا شاه و محمدرضا شاه، پروژه نوسازی و مدرنیزاسیون دولتی، هویتی ناسیونالیستی و سکولار را ترویج داد. این هویت بر بنیادهای ایران باستان، زبان فارسی و تمرکززدایی از مذهب استوار بود (Abrahamian, 2008). در عین حال، این بازتعریف با مقاومت‌هایی از سوی نیروهای مذهبی و سنت‌گرا مواجه شد که هویت ملی را با ارزش‌های دینی پیوند می‌دادند (Foran, 1993).

در نهایت، انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ با گفتمان دینی-سیاسی خود، بازتعریفی ریشه‌ای از هویت ملی عرضه کرد. در این بازتعریف، عناصر امت اسلامی، ولایت فقیه، و عدالت اجتماعی جایگزین مفاهیم مدرن‌گرایانه پیشین شدند (Keddie, 2003). به این ترتیب، هویت ملی ایرانی به عرصه منازعه‌ای میان سنت، تجدد، دین و سیاست تبدیل شد.

پژوهش حاضر، با رویکردی اسنادی-کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از نظریه‌های جامعه‌شناختی، به تحلیل روند تاریخی-اجتماعی این تحولات می‌پردازد. پرسش اصلی آن است که چگونه گفتمان‌های مختلف در سه دوره تاریخی مزبور (مشروطه، پهلوی، انقلاب) بر بازتعریف هویت ایرانی اثر گذاشته‌اند و پیامدهای اجتماعی آن چه بوده است.

۲- بیان مسئله

هویت ملی به عنوان یکی از ارکان اصلی شکل‌دهنده انسجام اجتماعی و ساختارهای سیاسی هر کشور، از پیچیدگی‌های نظری و تاریخی قابل توجهی برخوردار است. در زمینه ایران، فرایند شکل‌گیری هویت ملی از اواخر دوره قاجار و در دوران مشروطه، با تحولات بنیادین اقتصادی، سیاسی و فرهنگی همراه بوده است (Keddie, 2003). این تحولات تحت تأثیر فشارهای داخلی و خارجی، باعث شد تا هویت ملی که پیش‌تر بر مبنای سنت‌ها و مذهب بنا شده بود، به سمت مفاهیم جدیدی از ملت و ملیت حرکت کند (Anderson, 1983).

مطالعات جامعه‌شناسی و تاریخ معاصر ایران نشان داده‌اند که ناسیونالیسم ایرانی نه تنها یک گفتمان سیاسی، بلکه فرآیندی پیچیده و متغیر است که بر اساس تعامل نیروهای مدرن‌ساز و سنت‌گرا شکل گرفته است (Abrahamian, 1982). این فرایند در بستر مقاومتی شکننده (Fragile Resistance) بین سنت و مدرنیته، خود را نمایان کرده و بر هویت جمعی ایرانیان تأثیر عمیقی گذاشته است (Foran, 1993).

با وجود اهمیت این موضوع، پژوهش‌های جامعه‌شناختی جامع و منظمی که چگونگی تغییرات هویتی در این دوره را با تکیه بر نظریه‌های ملی‌گرایی مدرن تحلیل کنند، محدود و پراکنده است. پرسش اساسی این تحقیق این است که چگونه ساختارهای اجتماعی و نیروهای فکری، فرایند گذار از هویت مبتنی بر سنت به هویت ملی مدرن را در ایران شکل داده‌اند؟ و این فرایند چه پیامدهایی بر انسجام اجتماعی و پایداری سیاسی ایران داشته است؟

تحلیل دقیق این مسئله از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، امکان درک بهتر تحولات معاصر ایران و چالش‌های پیش روی هویت ملی را فراهم می‌آورد و درک علمی و منسجم‌تری از این موضوع را برای سیاست‌گذاران و پژوهشگران فراهم می‌کند.

۳- چارچوب نظری

فرایند تحول هویت ملی در ایران از دوران مشروطه تا انقلاب اسلامی، پدیده‌ای چندبعدی است که نیازمند تبیین نظری جامع و میان‌رشته‌ای از جامعه‌شناسی و تاریخ است. این تحول را می‌توان با بهره‌گیری از نظریه‌های ملی‌گرایی مدرن و نظریات جامعه‌شناسی چون بندیکت اندرسون، ارواند آبراهامیان، جان فوران، آنتونی گیدنز و اریک فروم تحلیل کرد.

بندیکت اندرسون در اثر بنیادین خود ملت‌های تخیلی (۱۹۸۳) ملت را به عنوان «جامعه‌ای تخیلی» تعریف می‌کند که اعضای آن هرگز نمی‌توانند یکدیگر را به طور کامل بشناسند، اما به یک تعلق مشترک خیالی اعتقاد دارند. این نظریه نشان می‌دهد که

هویت ملی بیشتر بر مبنای فرآیندهای فرهنگی و گفتمانی ساخته می‌شود تا واقعیات عینی. در ایران، ظهور نهادهای مدرن مانند مطبوعات و مدارس، بستر لازم برای شکل‌گیری این تخیل جمعی ملی را فراهم آورد (Anderson, 1983).

اروند آبراهامیان با تمرکز بر تاریخ معاصر ایران، ناسیونالیسم را یک فرایند پویا و متغیر می‌داند که میان سنت و مدرنیته در تضاد است. وی معتقد است نخبگان سیاسی و فکری نقش حیاتی در این فرایند ایفا کرده‌اند که منجر به بازتعریف هویت ایرانیان و بازسازی ساختارهای اجتماعی و سیاسی شده است (Abrahamian, 1982).

جان فوران در نظریه «مقاومت شکننده» خود، به تضادهای اجتماعی و فرهنگی که در مسیر مدرن‌سازی و شکل‌گیری هویت ملی در ایران پدید آمده، می‌پردازد. این نظریه کمک می‌کند تا مقاومت‌های ساختاری در برابر تغییرات اجتماعی نوین تحلیل شود (Foran, 1993).

از سوی دیگر، آنتونی گیدنز با تأکید بر مفهوم «بازتابندگی» (Reflexivity) و «ساختارهای ساخت‌یافته» (Structuration) نشان می‌دهد که چگونه بازیگران اجتماعی در تعامل با ساختارهای اجتماعی، هویت‌های خود را بازتعریف و بازتولید می‌کنند. گیدنز معتقد است هویت ملی نتیجه فرآیندی مداوم از تعامل فرد و جامعه و بازتاب مستمر تغییرات ساختاری است (Giddens, 1991).

همچنین، اریک فروم در نظریات روان‌شناختی و اجتماعی خود بر نقش آزادی، خودآگاهی و عشق به عنوان عناصر بنیادین شکل‌دهنده هویت تأکید دارد. وی هویت را محصول تعامل میان نیازهای فردی و الزامات اجتماعی می‌داند و در زمینه تحولات هویتی، اهمیت بازسازی فردی و جمعی را برجسته می‌کند (Fromm, 1941).

علاوه بر این، نظریه‌های کلاسیکی مانند نظریه گرامشی درباره نقش هژمونی فرهنگی و ایدئولوژی (Gramsci, 1971) و تحلیل هابسبام و رنجر از «خلق سنت‌ها» (Hobsbawm & Ranger, 1983) نیز به فهم فرآیندهای تاریخی و فرهنگی شکل‌دهنده هویت ملی کمک می‌کنند.

چارچوب نظری این پژوهش بر تلفیق این دیدگاه‌ها تأکید دارد تا بتواند پیچیدگی‌های فرایند هویت‌سازی ملی در ایران را از منظر تاریخی-اجتماعی به‌طور جامع تحلیل کند و نقش گفتمان‌های نوین ملی‌گرایی را در بازتعریف هویت ایرانیان نمایان سازد.

۴- پیشینه پژوهش

مطالعه هویت ملی ایرانیان از دوران مشروطه تا انقلاب اسلامی یکی از محورهای اصلی تحقیقات در حوزه‌های جامعه‌شناسی تاریخی، اندیشه سیاسی و مطالعات فرهنگی بوده است. پژوهشگران متعددی تلاش کرده‌اند تا با اتکا بر منابع تاریخی، متون ادبی، تحولات سیاسی و فرهنگی، و همچنین نظریات جامعه‌شناختی، به تحلیل تحولات هویتی در ایران بپردازند.

در مقاله‌ای با عنوان «انقلاب اسلامی و تحول در هویت ملی ایرانی»، سید مرتضی هزاوئی و فاطمه حسینی به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر بازتعریف هویت ملی پرداخته‌اند. آن‌ها استدلال می‌کنند که انقلاب اسلامی موجب تلفیق ملی‌گرایی در معنای وطن‌دوستی ضد استبدادی در سطح سیاست داخلی و میهن‌دوستی ضد بیگانه در سطح سیاست خارجی با رویه‌های اسلامی-انقلابی شده است (هزاوئی و حسینی، ۱۳۹۵).

در مقاله‌ای با عنوان «هویت ملی در ادبیات فارسی از دوران مشروطه تا معاصر»، اختر اسکندری و حمیرا رحیمی به بررسی تحولات هویت ملی در ادبیات فارسی پرداخته‌اند. آن‌ها نشان می‌دهند که ادبیات فارسی در دوران مشروطه با ظهور جنبش‌های ملی‌گرایی و بیداری ایرانیان، به ابزاری برای بازتاب هویت ملی تبدیل شد. در دوران پهلوی، سیاست‌های ملی‌گرایانه رضاشاه و محمدرضا شاه بر ادبیات تأثیر گذاشت و آثاری مانند «بوف کور» صادق هدایت و «چشم‌هایش» بزرگ علوی به بازتاب هویت ملی پرداختند. پس از انقلاب اسلامی، ادبیات مقاومت و دفاع مقدس به بازتعریف هویت ملی کمک کرد و نویسندگانی مانند سیمین دانشور در «سووشون» این مفهوم را به چالش کشیدند. در ادبیات معاصر، جهانی شدن و مدرنیته تأثیرات دوگانه‌ای بر هویت ملی داشته‌اند (اسکندری و رحیمی، ۱۴۰۳).

در مقاله‌ای با عنوان «جهانی شدن، بحران هویت و روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، حجت کاظمی به بررسی تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی در ایران پرداخته است. او استدلال می‌کند که جهانی شدن می‌تواند منجر به بحران هویت در جوامع شود و بر روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تأثیر بگذارد (کاظمی، ۱۳۹۹).

در مقاله‌ای با عنوان «بررسی وضعیت هویت ملی جوانان با تأکید بر نقش ماهواره و اینترنت»، ساروخانی، میرزایی ملکیان و توکلی به بررسی تأثیر رسانه‌های جدید بر هویت ملی جوانان پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از دیدگاه آنتونی گیدنز درباره شکل‌گیری هویت در دوران مدرن، به این نتیجه رسیده‌اند که رسانه‌های جدید می‌توانند نقش مهمی در تحکیم یا تضعیف هویت ملی ایفا کنند (ساروخانی، میرزایی ملکیان و توکلی، ۱۳۹۲).

در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ‌نگاری ایرانی و هویت ملی»، روح‌الله بهرامی به بررسی نقش تاریخ‌نگاری در شکل‌گیری هویت ملی ایرانی پرداخته است. او استدلال می‌کند که تاریخ‌نگاری ایرانی با بازخوانی گذشته باستانی و اسطوره‌های ایران، نقش مهمی در احیای حس هویت ملی ایفا کرده است (بهرامی، ۱۳۸۲).

۵- روش‌شناسی

این پژوهش به شیوه اسنادی-کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. برای گردآوری داده‌ها، منابع تاریخی، کتب، مقالات علمی داخلی و خارجی، اسناد و مدارک مرتبط با موضوع تحلیل هویت ملی ایرانیان از دوران مشروطه تا انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این راستا، بانک‌های اطلاعاتی معتبر مانند پایگاه‌های «نورمگز»، «سیویلیکا»، «گنجینه مقالات ایران» و منابع کتابخانه‌ای دانشگاهی به‌طور گسترده استفاده شده است. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نظریه‌های جامعه‌شناسی و تاریخ، از جمله نظریه‌های آنتونی گیدنز و اریک فروم، به شیوه تبیینی انجام شده است تا بتوان تحولات هویتی در بستر تاریخی و اجتماعی ایران را به‌دقت تبیین کرد. به‌دلیل ماهیت پژوهش، داده‌ها به‌صورت کیفی تحلیل شده‌اند و تمرکز اصلی بر تفسیر اسناد و متون تاریخی و اجتماعی بوده است.

۶- تحلیل یافته‌ها

۶-۱- دوره مشروطه: هویت نوین ملی، نفی استبداد و مدرنیته اولیه

در دوره مشروطه (۱۲۸۵-۱۲۸۹ هـ.ش)، با تأثیرپذیری از آموزه‌های روشنگری و انقلاب‌های غربی، مفاهیم هویت ملی نوین شکل گرفت. این دوره با نفی استبداد سلطنتی و تلاش برای تأسیس نظام قانون‌مند و مشروطه‌خواهانه همراه بود. به گفته ابراهامیان (Abrahamian, 1982)، مشروطه زمینه‌ای فراهم کرد که ایرانیان هویت جمعی جدیدی مبتنی بر مشارکت سیاسی و مفهوم ملت‌سازی را تجربه کنند. از سوی دیگر، گیدنز (Giddens, 1991) تأکید می‌کند که مدرنیته اولیه در این دوره شروع به تغییر ساختارهای اجتماعی و سیاسی ایران کرد و هویت‌های سنتی را به چالش کشید.

۶-۲- دوره پهلوی اول: ناسیونالیسم آمرانه و تقابل سنت و مدرنیته

دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰ هـ.ش) با سیاست‌های ناسیونالیسم آمرانه و مدرنیزاسیون بالا به پایین شناخته می‌شود. رضاشاه با تکیه بر قدرت متمرکز، تلاش کرد هویتی ملی مبتنی بر نمادهای تاریخی ایران باستان را ترویج دهد. در این دوره، سنت‌های اجتماعی و مذهبی با رویکردهای مدرنیته در تعارض قرار گرفتند (Foran, 1993). فروم (Fromm, 1941) معتقد است که چنین تقابلی، نشانه کشمکش میان هویت‌های فردی و جمعی در بستر تغییرات سریع اجتماعی است.

۶-۳- دوره پهلوی دوم: هویت مصرف‌گرا، مدرنیزاسیون بالا به پایین و مقاومت سنت

در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷ هـ.ش)، سیاست‌های مدرنیزاسیون گسترده‌تر و با سرعت بالاتری دنبال شد. مصرف‌گرایی و واردات فرهنگ غربی تأثیر زیادی بر هویت جوانان و اقشار شهری گذاشت. اما این تحولات با مقاومت سنتی و مذهبی همراه بود که نهایتاً زمینه‌ساز انقلاب اسلامی شد (Keddie, 2003). گیدنز (Giddens, 1991) این دوره را دوره گسترش «خودبازنمایی» فردی می‌داند که در تضاد با ساختارهای سنتی و قدرت سیاسی قرار گرفت.

۶-۴- انقلاب اسلامی: بازتعریف هویت دینی-سیاسی و گفتمان اسلام انقلابی

انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ هـ.ش) نقطه عطفی در بازتعریف هویت ملی ایرانیان بود که عناصر دینی، سیاسی و ملی‌گرایی در آن ترکیب شدند. ابراهامیان (Abrahamian, 1982) تأکید می‌کند که انقلاب موجب تلفیق هویت دینی و ملی در قالب گفتمان ضد استبدادی و ضد استعماری شد. فروم (Fromm, 1941) بر نقش احساس «آزادی» و «انسانیت» در شکل‌گیری این هویت نوین تأکید دارد که در برابر هویت‌های پیشین قرار می‌گیرد.

۷- نتیجه‌گیری

تحولات هویتی ایرانیان از دوران مشروطه تا انقلاب اسلامی، نشان‌دهنده روندی پیچیده از تعامل میان عوامل تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. در این مقاله با رویکردی میان‌رشته‌ای، تلاش شد تا از رهگذر تلفیق مفاهیم و نظریات جامعه‌شناسی (مانند نظریه ساخت‌یابی گیدنز و روان‌کاوی اجتماعی فروم) و تحلیل‌های تاریخی (با تکیه بر آثار آبراهامیان، فوران و کدی)، به فهمی عمیق‌تر از دگرگونی‌های هویت ملی ایرانی دست یابیم.

دوره مشروطه با طرح مفاهیمی چون قانون‌گرایی، مشارکت سیاسی و نفی استبداد، پایه‌های یک هویت ملی نوین را ریخت. در دوران پهلوی اول، ناسیونالیسم آمرانه و مدرنیزاسیون از بالا، منجر به بازخوانی هویت ایرانی بر اساس عناصر باستانی شد، اما این فرایند اغلب با طرد سنت همراه بود. پهلوی دوم، با تعمیق شکاف میان سنت و مدرنیته، بر شدت بحران هویت افزود. نهایتاً، انقلاب اسلامی پاسخی اجتماعی-فرهنگی به این بحران‌ها بود که در آن، هویتی دینی-سیاسی با مؤلفه‌های مقاومتی علیه غرب‌گرایی شکل گرفت.

نکته اساسی این است که بررسی چنین پدیده‌هایی بدون بهره‌گیری از همکاری و هم‌افزایی رشته‌های جامعه‌شناسی و تاریخ ناقص خواهد ماند. جامعه‌شناسی، ما را قادر می‌سازد تا الگوهای تغییرات ساختاری و بازتاب‌های فرهنگی و هویتی را بشناسیم، در حالی که تاریخ با مستندسازی روندها، بستر و زمینه‌های این تحولات را روشن می‌سازد. لذا رویکرد میان‌رشته‌ای نه تنها ابزار تحلیلی قوی‌تری فراهم می‌کند، بلکه فهم جامع‌تری از دگرگونی‌های هویتی ایرانیان ممکن می‌سازد—فهمی که در تحلیل مسیرهای توسعه، بحران‌های اجتماعی و ساخت‌های سیاسی آینده ایران نیز کارآمد خواهد بود.

منابع

- اسکندری، اختر و رحیمی، حمیرا. (۱۴۰۳). «هویت ملی در ادبیات فارسی از دوران مشروطه تا معاصر». اولین همایش علوم انسانی با رویکرد نوین.
- ساروخانی، بیتا، میرزایی ملکیان، مهسا و توکلی، زهره. (۱۳۹۲). «بررسی وضعیت هویت ملی جوانان با تأکید بر نقش ماهواره و اینترنت». مطالعات جوان و رسانه، ۱۲، صفحات ۱۲۳-۱۵۲.
- سعیدی، کاظم. (۱۳۹۴). «تحول مفهوم هویت ملی در دوران مشروطه». پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۱(۲)، ۶۷-۸۹.
- کاظمی، حجت. (۱۳۹۹). «جهانی شدن، بحران هویت و روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران». روابط فرهنگی بین‌الملل.
- هاشمی، محمدرضا. (۱۳۹۷). «مدرنیزاسیون و بحران هویت در ایران پهلوی». مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۴(۱)، ۴۵-۶۲.
- هزاوئی، سید مرتضی و حسینی، فاطمه. (۱۳۹۵). «انقلاب اسلامی و تحول در هویت ملی ایرانی». پژوهش‌های سیاسی، دوره ۶، شماره ۲، صفحات ۸۱-۱۰۹.
- بهرامی، روح‌الله. (۱۳۸۲). «تاریخ‌نگاری ایرانی و هویت ملی». مطالعات ملی، دوره ۴، شماره ۱۴، صفحات ۲۹-۵۹.
- Abrahamian, E. (1982). *Iran Between Two Revolutions*. Princeton University Press.
- Abrahamian, E. (2008). *A History of Modern Iran*. Cambridge University Press.
- Anderson, B. (1983). *Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism*. Verso.
- Foran, J. (1993). *Fragile Resistance: Social Transformation in Iran from 1500 to the Revolution*. Westview Press.
- Fromm, E. (1941). *Escape from Freedom*. Farrar & Rinehart.
- Giddens, A. (1991). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Stanford University Press.
- Gramsci, A. (1971). *Selections from the Prison Notebooks*. International Publishers.
- Hobsbawm, E., & Ranger, T. (Eds.). (1983). *The Invention of Tradition*. Cambridge University Press.
- Keddie, N. R. (2003). *Modern Iran: Roots and Results of Revolution*. Yale University Press.
- Keddie, N. R. (2003). *Modern Iran: Roots and Results of Revolution*. Yale University Press.